

Ruzbārī, Muḥammed b. Aḥmed
(ö. 469)

4392. 1. 1

922. 97

Kays Āl Kays
el-irānīyyūn vel-edebūl-arabī
I, kis. 1, 248.

27 EYLÜL 2006

3615 - محمد بن أحمد بن الهيثم أبو بكر الروذباري البلخي
رقم: 3615 3615
المقرى كان حيا سنة 1076/469

(أنظر: كحالة معجم المؤلفين 27/9 ؛ طبقات القراء لابن
الجزري 91-90/2)

من تصانيفه :

1 - جامع القراءات

تاريخ التأليف 469 هـ؛ قويه يوسف آغا رقم 5112 ورقة

327 ، 510 هـ

1112 هـ

علي رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات
استانبول، الجزء الثاني، [y.y.,t.y.]، ISAM 141628

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ششم، تهران، ۱۳۷۳.

ابوعلی رودباری

۴۰

جنید شیرازی، ابوالقاسم، شدالازار، به کوشش محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸ ش؛ حاجی خلیفه، کشف؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۵۰ ق؛ خلیفه نیشابوری، احمد بن محمد، ترجمه و تلخیص تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری، به کوشش بهمن کریمی، تهران، ۱۳۳۹ ش؛ سبکی، عبدالوهاب بن علی، الطبقات الشافعیة الکبری، قاهره، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵م؛ سهروردی، عمر بن محمد، عوارف المعارف، بیروت، ۱۹۶۶ م؛ صریفینی، ابراهیم بن محمد، تاریخ نیشابور (المنتخب من السیاق عبدالغافر فارسی)، به کوشش محمد کاظم محمودی، قم، ۱۳۶۲ ش؛ عبّادی مروزی، منصور بن اردشیر، مناقب الصوفیه، به کوشش نجیب مایل هروی، ۱۳۶۲ ش؛ عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، به کوشش رنولدان نیکلسون، لندن، ۱۹۰۷م؛ قلندر علوی، شاه محمد کاظم، مقالات صوفیه، لکهنو، ۱۸۸۳م؛ کاشانی، محمود بن علی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، به کوشش جلال الدین همای، تهران، ۱۳۲۳ ش؛ محمد بن منور، اسرار التوحید، به کوشش ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ میبیدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ نجم الدین رازی، عبدالله بن محمد، مرموزات استنی در مرموزات دادوی، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ هجویری، علی ابن عثمان، کشف المحجوب، به کوشش زوکوفسکی، تهران، ۱۳۵۸ ش.

أبوعلی رودباری، محمد بن احمد (احمد بن محمد) بن قاسم (د ۳۲۲ ق / ۹۳۴ م)، صوفی و عارف. در نام وی اختلاف است؛ سلمی، به نقل از خواهرزاده وی، نام او را احمد ذکر کرده است (ص ۳۶۲)؛ نیز نک: ابونعیم، ۳۵۶/۱۰؛ قشیری، ۴۱۶؛ سبکی، ۴۸/۳). اما خطیب بغدادی، ضمن استناد به نوشته‌هایی از خود وی، نام محمد را صحیح می‌داند (۳۲۹/۱ - ۳۳۰؛ نیز نک: سمعانی، ۱۸۸/۶؛ ابن اثیر، ۴۱/۲). نام حسن بن همام نیز که در برخی مآخذ آمده است (نک: ابن زیات، ۲۳۶؛ سخاوی، ۳۴۲)، درست به نظر نمی‌رسد؛ چنانکه مآخذ کهن‌تر به نادرستی آن اشاره داشته‌اند (خطیب، ۳۳۰/۱؛ انصاری، ۳۷۴؛ قس: ذهبی، ۵۳۵/۱۴). نسبت رودباری نیز دانسته نیست که دقیقاً مربوط به کدام ناحیه است؛ برخی مانند سمعانی، او را به رودبار در ناحیه طوس نسبت داده‌اند (۱۸۷/۶) و برخی دیگر گفته‌اند که او منسوب به رودبار از نواحی بغداد بوده است (ابن قیسرانی، ۱۹۵). از انتساب او به رودبار در ناحیه جبال نیز سخن به میان آمده است (قزوینی، ۳۷۳). با آنکه نمی‌توان در باب هیچ یک از این موارد اطمینان حاصل کرد، اما تصریح به بغدادی بودن او در مآخذ، این احتمال را که وی از رودبار بغداد بوده باشد، تقویت می‌کند (نک: خطیب، سلمی، همانجا؛ یا قوت، ۸۳۱/۲). همچنین او را از تبار بزرگان و وزیران ایران عصر ساسانی دانسته (خطیب، همانجا؛ انصاری، ۳۷۳؛ هجویری، ۱۹۷) و سلسله نسب وی را تا کسری رسانده‌اند (خطیب، سلمی، همانجاها).

ابوعلی نخست در سلک مریدان جنید درآمد (جامی، ۲۰۰) و به گفته خودش، اصول طریقت را از جنید، فقه را از ابوالعباس ابن سُرّیج، ادبیات را از ثعلب و حدیث را از ابراهیم جَرّبی فرا گرفت (سلمی، ۳۶۹؛ قشیری، همانجا). وی در بغداد و شام با بزرگان صوفیه همچون ابوالقاسم جنید، ابوالحسین نوری، ابوحمزه بغدادی و ابو عبدالله ابن الجلاء دیدار کرد و از آنان بهره یافت (سلمی، ۳۶۲). سپس راهی مصر شد و در همانجا سکنی گزید (همو، خطیب، همانجاها). ابوعلی علاوه

ابوعلی دختر خود فاطمه را به ازدواج او درآورد (انصاری، ۵۳۹؛ ابن خلکان، ۲۰۶/۳). ابوسعید ابوالخیر نیز مصاحب او را دریافته بود و ابوبکر صیرفی از شاگردان او بود (محمد بن منور، ۵۸ - ۵۹؛ عطار، ۲۰۰/۲). به گفته عطار، ابوعلی صاحب درد و سوز و «نوحه‌گر» صوفیان عصر خویش بود (۱۸۸/۲) و انصاری گوید که وی «زبان وقت بود به نیشابور» (ص ۵۳۸). او بر ضرورت سماع در تصوف اصرار می‌ورزید (نک: محمد بن منور، ۲۷۷) و در عین حال به حرکات وجدآمیز بزرگانی همچون سلمی در موافقت با فقرا در سماع معترض بود و سکون در سماع را برای مشایخ بهتر می‌دانست (خطیب، ۲۴۸/۲؛ عبّادی، ۹۹؛ کاشانی، ۱۹۰-۱۹۱). او نیز همچون بسیاری از بزرگان صوفیه از صحبت سلاطین احتراز می‌کرد و خلق را نیز از آن برحذر می‌داشت و از دوام زبان معنوی شربت آبی که ۳۰ سال پیش از آن در بیابان از دست یک لشکری نوشیده بود، سخن می‌گفت (عطار، ۱۹۲/۲، ۱۹۵-۱۹۶؛ قلندر، ۱۱۹). اما در عین حال در مواقع مقتضی از نصیحت و موعظه صاحبان قدرت دریغ نمی‌ورزید (نجم الدین، ۷۷). ضرورت پیروی از پیر و استاد در طریقت و رعایت حرمت و حقوق او همواره مورد تأکید ابوعلی بود (سهروردی، ۹۶؛ عطار، ۱۸۸/۲، ۱۹۴). گفته‌اند که ابوعلی صاحب کرامات و اشراف برضامیر بود (هجویری، ۲۰۴؛ عبّادی، ۹۰). به گفته محمد بن منور، وی به اشارت پیامبر (ص) در خواب، خانقاه سراوی را در شهر نسا بنا نهاد (ص ۴۴).

آنچه از آثار ابوعلی دقایق برجای مانده، مجموعه‌ای از سخنان پراکنده اوست در موضوعات عمده عرفانی چون فقر و غنا، توکل و قنوت که بیشتر آنها به وسیله ابوالقاسم قشیری جمع‌آوری و نقل شده است (انصاری، ۵۳۹). میبیدی نیز عباراتی را در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم از او نقل کرده است (۱۲۹/۵، ۱۳۲). وی ظاهراً به تازی نیز اشعاری می‌سروده که نمونه‌هایی از آن در تذکرة‌ها نقل شده است (نک: انصاری، ۵۴۰، ۵۴۱؛ ابن کثیر، ۱۴/۱۲). حاجی خلیفه کتابی با عنوان الضحایا به او نسبت داده (۱۴۳۴/۲) که از آن اطلاعی در دست نیست و در صحت این انتساب نیز جای تردید بسیار است. سلسله نسب مشایخ بلیانی کازرون به او منتهی می‌شود (جنید، ۶۱ - ۶۲). وفات او را به اختلاف در ذیحجه ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۲ آورده‌اند (ابن قاضی شهبه، ۱۶۹/۱؛ ابن عماد، ۱۸۰/۳؛ ابن کثیر، همانجا). مدفن او در کنار مدفن ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی در شهر قدیم نیشابور و در قبله کهن‌دیز واقع است (خلیفه نیشابوری، ۱۵۲؛ انصاری، ۵۳۹).

مآخذ: ابن خلکان، وفیات؛ ابن عماد، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب، قاهره، ۱۳۵۰ ق؛ ابن قاضی شهبه، ابوبکر بن احمد، طبقات الشافعیة، به کوشش عبدالعلیم خان، حیدر آباد دکن، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸م؛ ابن کثیر، البدایة؛ استوی، عبدالرحیم بن حسن، طبقات الشافعیة، به کوشش عبدالله جبروی، بغداد، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰م؛ انصاری هروی، خواجه عبدالله، طبقات الصوفیه، به کوشش عبدالعلی حبیبی، کابل، ۱۳۴۱ ش؛ جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس، به کوشش مهدی توحیدی پور، تهران، ۱۳۳۶ ش.

08 NISAN 2008

DIA için tarandı

الإيرانيون الأدب العرب

رجال علوم القرآن

المجلد الأول القسم الأول

تأليف:

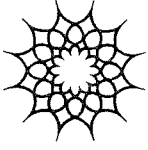
قيس آل قيس

Türkiye Diyanet Vakfı
Kütüphanesi

4392-1-

922.57

ALİ-İ



مؤسسة البحوث والتحقيقات الثقافية

شَهْفُور بن طاهر
(... — ٤٧١ هـ)

هو أبو المظفر شهفور بن طاهر بن محمد الأسفراييني .
ونسبته إلى أسفرايين "خراسان" من بلاد فارس "إيران" .
عالم بالأصول ، مفسر ، من فقهاء الشافعية .
قال السبكي : "ارتبطه نظام الملك بطوس" . له مصنفات منها :

- ١- كتاب (التفسير) وهو كتاب كبير ومشهور (الاعلام للزرزكي ص ٢٦٠ ، ج ٣) كما ذكره له حاجي خليفة في كشف الظنون (ص ٤٤٢ ، ج ١) وقال : "تفسير الأسفراييني ، هو الامام ابو المظفر (هو طاهر ابن محمد الأسفرائني الشهير بشاهفور و تفسيره المسمى بتاج التراجم في تفسير القرآن للأعاجم) شهفور بن طاهر الشافعي المتوفى سنة ٤٧١ هـ" .
- ٢- وقال الزركلي في الاعلام (ص ٢٦٠ ، ج ٣) "وصنف في الاصول" .

وتجد اخباره في :

- ١- الاعلام لخيرالدين الزركلي ، ج ٣ ، ص ٢٦٠ .
- ٢- طبقات الشافعية الكبرى لابن السبكي ، ج ٢ ، ص ١٧٥ .
- ٣- كشف الظنون لحاجي خليفة ، ج ١ ، ص ٤٤٢ .

محمد بن احمد الروذباري
(... — بعد ٤٦٩ هـ)

هو ابوبكر محمد بن احمد بن الهيثم الروذباري . من اهل مدينة "بلخ" من بلاد فارس . استوطن مدينة غزنة . امام مقرئ محرز استاذ ، تلا بالروايات الكثيرة على ابي علي الأهوازي ، و منصور بن محمد الهروي ، و احمد بن محمد بن ابراهيم المروزي . أقرأ القراءات بمدينة غزنة وكان بصيراً بالعلل على الرواية .

قال ابن الجزري في غاية النهاية :

"هو مؤلف كتاب جامع القراءات لم يؤلف مثله رأيت بمدينة هراة قد جمع فيه القراءات العشر وغيرها ، و أتى فيه بفوائد كثيرة بالاسانيد المختلفة ألفه باسم السلطان ابي المظفر ابراهيم بن مسعود بن السلطان محمد بن سبكتكين صاحب غزنة وغيرها من الهند . فرغ منه في يوم الاحد السابع عشر من المحرم سنة تسعة وستين واربعمائة (٤٦٩ هـ) .

و من هنا يتبين ان وفاته رحمه الله تعالى بعد هذه السنة" .

وتجد اخباره في : الاعلام لخيرالدين الزركلي ، ج ٦ ، ص ٢٥٧ . و غاية النهاية في طبقات القراء لابن الجزري ، ج ٢ ، ص ٩١ .